

بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی در آمریکای جنوبی

محمدعلی قائمی*
یعقوب توکلی**

چکیده

گفتمان انقلاب اسلامی، با تأکید بر نشانه‌های جدید، چشم‌اندازی روشن برای انسان‌های معاصر که سرخورده از گفتمان‌های موجود بودند، ترسیم کرد و روابط انسانی و بین‌المللی را از زاویه‌ای نو تحلیل نمود. مسئله این نوشتار این است که آیا گفتمان انقلاب اسلامی بر جوامعی که فاقد مشترکات فرهنگی و اجتماعی با ایران بوده‌اند همچون آمریکای جنوبی، نیز تأثیر داشته است؟ با مراجعه به مکتوبات، مصاحبه‌ها و اخبار منتشرشده، شواهد متنوعی بر تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در سطوح مختلف در منطقه آمریکای جنوبی دیده می‌شود. ونزوئلا به عنوان کشوری که متأثر از این گفتمان بوده، مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌ها بیانگر این است که انقلاب اسلامی با مفصل‌بندی جدید مفاهیم و نشانه‌ها، ضمن تغییر صف‌بندی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه، رویکرد نوینی را در زیست انسانی گشوده است که نتیجه آن خودباوری، اعتمادبه‌نفس و استکبارستیزی در برابر زیاده‌خواهی گفتمان‌های معاصر هژمون بوده است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، آمریکای جنوبی، ونزوئلا، استکبارستیزی، نظریه گفتمان.

ghaemima@mums.ac.ir
yaghubtavakoli@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۷

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
**. استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۵

طرح مسئله

گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف مورد توجه و بررسی قرار گرفته است؛ اما مطالعه بازتاب انقلاب اسلامی با رویکرد گفتمانی در منطقه آمریکای جنوبی، با جستجوی‌هایی که نویسنده انجام داده، سابقه‌ای نداشته است. البته مطالعات متعددی نسبت به منطقه آمریکای لاتین، از جنبه‌های مختلف صورت گرفته است، ولی رویکرد گفتمانی در میان این مطالعات، به‌ویژه در حوزه آمریکای جنوبی، یافت نشد. این مقاله در پی بررسی نقش گفتمان انقلاب اسلامی در ایجاد تغییر رویکرد در منطقه آمریکای جنوبی و به چالش کشیده شدن گفتمان‌های رقیب است. همچنین در پی بررسی تمایل به دال‌های مطرح‌شده از سوی گفتمان انقلاب اسلامی و میزان پاسخگویی این دال‌ها نسبت به خلأهای موجود در منطقه است. در این راستا برای تبیین موضوع به بررسی مبانی نظری گفتمان، جایگاه و هدف نظریه، کاربرد نظریه و نقدهای وارد، پرداخته می‌شود. سپس بازتاب‌شناسی انقلاب اسلامی از منظر گفتمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و اجزای گفتمانی انقلاب اسلامی توصیف و نمودهای بازتاب گفتمانی انقلاب اسلامی در منطقه آمریکای جنوبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظریه گفتمان

واژه «گفتمان» که سابقه آن در برخی منابع به قرن چهارده میلادی می‌رسد، از واژه فرانسوی «Discours» و لاتین «Discourse-us»، به معنای گفتگو، محاوره و گفتار و از واژه «Discourer / Discoursum»، به معنای طفره رفتن، از سر باز کردن و تعلق ورزیدن گرفته شده است. (مک دائل، ۱۳۸۰: ۱۰) برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲ میلادی، زلیک هریس (از برجسته‌ترین زبان‌شناسان آمریکایی است که روش ساخت‌گرایی را در توصیف زبان گسترش داد) در بررسی‌های زبان‌شناسی خود، توجه خود را به بررسی واحدهای بزرگ‌تر معطوف کرد و آن را تحلیل گفتمان نامید. در این رویکرد از تحلیل گفتمان که بعدها به تحلیل گفتمان ساختارگرا معروف شد، گفتمان به مثابه زبان، بزرگ‌تر از جمله تعریف می‌شد. (Harris, 1952: 1-30) میشل فوکو (فیلسوف، تاریخ‌دان و متفکر معاصر فرانسوی است که چندین مقاله و کتاب در مورد انقلاب اسلامی نوشته است) (۱۹۸۴ - ۱۹۲۶)، گفتمان را در معنای جدید، دربر گیرنده نشانه‌های زبان‌شناسانه (گفتاری - نوشتاری) و نیز غیرزبان‌شناسانه (رفتاری - روانی) می‌دانست که نه تنها زبان، بلکه کل حوزه اجتماعی انسان را نیز دربر می‌گیرد. (صدر، ۱۳۸۶: ۲۰۸ - ۱۷۱)

۱. مبانی نظری

نظریه گفتمان در حوزه مطالعات زبان‌شناسی شکل یافت. در نظر سوسور (فردینان دو سوسور، از جمله دانشمندان زبان‌شناسی و نشانه‌شناس سوئیسی بود)، (۱۹۱۳ - ۱۸۵۷) کلمات به‌تنهایی دارای بار معنایی و مفهومی نیستند، بلکه در ارتباط با یکدیگر دارای معنا و مفهوم می‌شوند. سوسور با به‌کار بردن اصطلاح نشانه‌شناسی^۱، آن را علم پژوهش در حوزه نظام‌های دلالت معنایی می‌داند که یکی از مهم‌ترین نظام‌های دلالت معنایی، زبان است و باید بدان توجه ویژه داشت. او رابطه میان زبان و جهان خارج را در قالب مثلث «دال، مدلول و مصداق» تعریف می‌کند و عنصر اصلی زبان را نشانه می‌داند. وی زبان را به بازی شطرنج تشبیه می‌کند که هر نشانه، هویت و ارزش خود را در ارتباط با دیگری و در چارچوب یک نظام قواعد به‌دست می‌آورد. (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۲۶) بارتز معتقدست که یک نشانه می‌تواند به‌مثابه یک دال برای نشانه دیگر باشد؛ مثلاً کلماتی چون «زنجیر»، «دیوار» و «لاله» که هر کدام از بار و سوبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متعدد برخوردار هستند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۹) و هر کدام متفاوت از معنای ظاهری خود، نشانه‌ای است که مخاطب را به حوزه معنایی ویژه‌ای هدایت می‌کند.

با توجه به مفهوم نشانه‌شناسی در نظر سوسور، می‌توان چنین دریافت که چون دال‌ها و مدلول‌ها با توجه به فضا و پیرامون خود هویت می‌یابند و براساس نظمی که قواعد حاکم تبیین می‌کند، تحلیل می‌شوند، نقش انقلاب اسلامی و بازتاب آن در منطقه را با توجه به فضای ضدامپریالیسمی که در این منطقه شیوع دارد و سابقه مبارزاتی که در ذهن مردم منطقه

1. Semiology.

شکل گرفته است، می‌توان تحلیل نمود و این را فرصتی دانست که بتوان بهترین ارتباط گفتمانی و زبانی را با منطقه برقرار کرد و امید تأثیر مثبت گفتمان انقلاب اسلامی را به‌عنوان گفتمانی با نشانه‌های قابل قبول برای مردم منطقه داشت. باور بنیادین در نظریه گفتمان این است که تنها راه فهم جهان، راه گفتمان است. گفتمان مجموعه‌ای از قواعد، ضوابط و معانی در قالب نظام ساختارمند معرفتی در یک زمینه زبانی است که بر تمام جوانب حیات اجتماعی اثر می‌گذارد و بازیگران از طریق آن، جهان را درک می‌کنند. گفتمان نوعی ارتباط یا مفاهیمه زبانی است که شکل آن را اهداف اجتماعی‌اش تعیین می‌کند. (مک دانل، ۱۳۸۰، ص ۶۹) فوکو، گفتمان را به‌صورت شبکه‌های معنایی یا نظامی از اشیا می‌داند که رفتار آدمی را شکل می‌دهد. معنای اجتماعی رفتارها، کنش‌ها و نهاد، همگی در ارتباط با بستر و زمینه‌ای کلی که بخشی از آن هستند، درک می‌شوند. لذا موضوعات و مفاهیم برای معنادار بودن باید بخشی از یک چارچوب گفتمان گسترده باشند. (Foucault, 1988: 117) در بین نظریه‌پردازان حوزه گفتمان، لاکلا و موف، گفتمان را وارد حوزه سیاسی و اجتماعی کردند، با این باور که به کمک نظریه گفتمان می‌توان به تبیین معنادار همه پدیده‌ها پرداخت. زمانی که عناصر گوناگون با مفصل‌بندی مشخصی در کنار هم قرار می‌گیرند، معنای خاصی را ایجاد می‌کنند که پیشش متفاوت آنها، معنایی دیگر را پدید می‌آورد. (Howarth, 2000: 4) این دو همه‌چیز را دارای نوعی سازه گفتمانی می‌دانند که در رابطه با دیگر اشیا معنا می‌یابد. لذا گفتمان، هم سازنده و هم بر ساخته است. گفتمان‌ها در فضایی از باورها و معانی نظام‌مند و در بستر درون جامعه به وجود می‌آیند. (Philips, 2002: 32) گفتمان هویت خود را از طریق رابطه‌ای که بین عناصر مختلف برقرار می‌کند، به دست می‌آورد. در منطق گفتمانی، یک شیء، مستقل از نظام روابط اجتماعی، هستی دارد، اما این شیء در بستر یک ترکیب گفتمانی خاص به تصویری مشخص دلالت می‌کند که درون یک نظام خاص از روابط اجتماعی قرار گرفته باشد. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۶) کشیدن یک خط بر روی یک برگه کاغذ و قرار دادن آن در یک صندوق (رأی دادن در انتخابات)، تنها درون نظامی متشکل از قواعد، رویه‌ها و نهادهایی که ما آن را دموکراسی می‌نامیم، معنا می‌یابد؛ لذا اهمیت رأی دادن در ارتباط با دیگر رفتارها و موضوعاتی که جزئی از آن است، قابل درک است. (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۰۲)

۲. عناصر و مفاهیم گفتمانی

۱. مفصل‌بندی^۱: هوارث معتقد است: «مفصل‌بندی به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو» می‌پردازد. (هوارث، ۱۳۸۲: ۱۶۳) لاکلا و موف معتقدند: «ما هر عملی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به‌نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم. بنابراین کلیت ساختمان حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامیم». (Laclau, 1985: 105)
۲. دال مرکزی^۲: هسته مرکزی منظومه گفتمانی که سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کند و نظم خاصی به آنها می‌دهد.
۳. هم‌مونیک: توفیق و برتری یک گفتمان در تثبیت معانی موردنظر خود نسبت به سایر گفتمان‌ها.
۴. دال‌های شناور: نشانه‌هایی که گفتمان‌های مختلف می‌کوشند تا متناسب با چارچوب باوری خود به آنها معنا دهند.
۵. قابلیت دسترسی: قابلیت‌های یک گفتمان برای پاسخ‌گویی به نیازهای موجود که آن را در مقایسه با سایر گفتمان‌ها توانا تر و مؤثرتر نشان می‌دهد.
۶. قابلیت اعتبار: سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول اساسی گروه اجتماعی.
۷. عناصر: نشانه‌هایی که معنای آنها تثبیت نشده و گفتمان‌های مختلف سعی در معناداری به آنها را دارند. (دال‌های شناوری)
۸. وقته‌ها^۳: عناصری که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و به هویت و معنایی موقت دست یافته‌اند.
۹. زنجیره هم‌ارزی^۴: دال‌های اصلی یک گفتمان که بی‌محتوا هستند؛ یعنی به‌خودی‌خود معنا ندارند. از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آنها را از معنا پر می‌کنند، ترکیب می‌شوند و به آنها نظم داده، هویت جدیدی را

1. Articulation.
2. Nodal point.
3. Elemints.
4. Moment.
5. Equivalence - Difference.

فراهم می‌کنند. مانند گفتمان سیاه در برابر نژادپرستی سفیدپوستان که از طریق زنجیره هم‌ارزی غیرسفيد می‌تواند بین همه رنگین‌پوستان در برابر سفیدها، اتحاد و هماهنگی ایجاد نماید. (Laclau, 1985: 127-134)

۱۰. از جا شدگی: بی‌قراری‌هایی که در اثر درهم ریختن گفتمان موجود و هویت‌های مبتنی بر آن ایجاد شود.

۱۱. ضدیت یا خصومت: هدف نظریه گفتمان تبدیل مفاهیم گفتمان به ابزارهای روش‌شناختی است، تا با بهره‌گیری از قابلیت روشی، بستر مطالعه و تکوین و هم‌مونیک شدن اندیشه‌ای و باوری را فراهم سازد. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۷: ۵۶ - ۵۱)

۳. کاربرد نظریه گفتمان در بازتاب‌شناسی انقلاب اسلامی

نظم جهانی در هر دوره‌ای در نتیجه هم‌مونیک شدن یک گفتمان در برهه‌ای خاص شکل گرفته و لذا انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی می‌توانند نظم مسلط را به چالش بکشانند و با تضعیف این گفتمان مسلط، نظام نوینی را در عرصه جهانی مستقر سازند. بر این اساس بازتاب انقلاب به معنای وارد شدن و تأثیر یک گفتمان انقلابی در عرصه رقابت‌های گفتمانی منطقه‌ای یا جهانی و فراگیر شدن آن در عرصه‌ای فراتر از عرصه شکل‌گیری آن است. گفتمان‌های انقلابی با ورود به این رقابت‌ها می‌توانند گفتمان مسلط منطقه‌ای یا جهانی را به چالش کشیده و در صورتی که توان بازتابی بالایی داشته باشند، به گفتمانی هم‌مونیک در سایر نقاط و در رقابت با سایر گفتمان‌ها تبدیل شوند. همان‌طور که وجود غیریت، زمینه‌های وقوع یک انقلاب را از داخل فراهم می‌کند، وجود غیریت‌ها و نشانه‌های خالی در عرصه فرا ملی و جهانی نیز بسترهای بازتاب یافتن یک انقلاب را فراهم می‌کند. (کشاوری شگری و ناصر خاکی، ۱۳۹۴: ۶۶ - ۴۷) مطالعه این چارچوب نظری، می‌تواند به فهم چرایی و چگونگی رخداد انقلاب اسلامی کمک و در جهت تبیین انقلاب اسلامی و کارکردهای آن در سطوح مختلف، مفید واقع گردد. به کمک شاخص‌های مطرح‌شده در این نظریه، می‌توان افزون بر سنجش میزان و شدت تأثیر انقلاب اسلامی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، بسترهای فرهنگی - اجتماعی گوناگون را موردارزیابی قرار داد تا زمینه‌های مناسب جهت ترویج و تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم آورد. همچنین می‌توان دل‌های خالی جوامع، دل‌های شناور و نشانه‌های گفتمان هم‌مون و چگونگی مفصل‌بندی‌های آنها را موردبررسی قرار داد و ضریب نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی را بر این اساس شناخت و افزایش داد. با بررسی گفتمان انقلاب اسلامی و مفاهیم کلیدی این گفتمان و استخراج هماهنگی‌ها و شباهت‌های مشترک با گفتمان‌های موجود در آمریکای جنوبی، می‌توان به تجانس گفتمانی و شباهت دل‌ها و مدلول‌هایی رسید که به پژوهشگر یاری می‌رساند تا میزان تأثیرات گفتمانی انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف را بررسی نماید و با تکیه بر مؤلفه‌های اصلی گفتمان انقلاب اسلامی، هویتی جدید مبتنی بر سازه‌بندی نوین گفتمانی که موردقبول منطقه مذکور باشد، طراحی و نقشی هم‌مونیک را برای گفتمان انقلاب اسلامی و هویت‌های برگرفته از آن در منطقه فراهم آورد.

بازتاب انقلاب اسلامی مبتنی بر نظریه گفتمان

در بررسی انقلاب اسلامی به رویکردی نیاز است که بتواند هستی متکثر انقلاب و پیچیدگی و تنوعات درونی نظام فکری آن را بهتر توضیح دهد. نظریه گفتمان این توانایی را دارد. (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۳) برخی عواملی که برای فهم بازتاب یک گفتمان انقلابی به آنها توجه می‌شود عبارتند از: قابلیت نظام معنایی و اسطوره‌ای گفتمان انقلابی برای فراتر رفتن از سطح خاص و محدود ملی، قابلیت دسترسی و قابلیت اعتبار آن در سطح فرا ملی، توانایی آن در تشکیل زنجیره هم‌ارزی فراگیر و مفصل‌بندی دل‌های خالی فراملی و یا جهان‌شمول، وجود سوژه‌های انقلابی فعال و توانا در عرصه فراملی، توانایی رقابت با سایر گفتمان‌ها و غلبه بر موانع ایجادشده از سوی پادگفتمان‌ها و گفتمان‌های مسلط جهانی و توانایی تغییر در فضای گفتمانی جامعه مخاطب. البته میزان تأثیر این عوامل در طول زمان دچار کاهش و افزایش می‌شود. همچنین گفتمان‌های انقلابی که بتوانند ضمن حفظ نشانه‌های اساسی خود، نشانه‌های جدید را متناسب با نظام معنایی خود مفصل‌بندی کنند و خود را روزآمد سازند، توانایی باقی ماندن در عرصه رقابت‌های گفتمانی، به‌عنوان یک گفتمان انقلابی پویا را خواهند داشت. (عباس کشاوری شگری و ناصر خاکی، تحلیل گفتمانی؛ روشی برای بازتاب انقلاب‌ها، رهیافت انقلاب اسلامی،

1. Dislocation.
2. Antagonism.

س ۹، ش ۳۳، زمستان ۱۳۹۴) و البته باید توجه داشت که گفتمان‌ها، قابلیت بالایی در توضیح چگونگی جذب مفاهیم و ایده‌های جدید در یک اندیشه و تغییر و تطبیق آنها در ساختار جدید را دارند، (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۷) لذا توانایی بالقوه ماندگار شدن، تداوم تاریخی و پویایی را دارند.

انقلاب اسلامی متأثر از نظام معنایی خود، گفتمان جدیدی را طراحی و اسطوره‌هایی را در سطح منطقه و فرامنطقه مطرح و آنها را در عرصه بین‌المللی منعکس نمود. بنابراین در نخستین گام لازم است این اسطوره‌ها مورد شناسایی قرار گیرد و قابلیت دسترسی و اعتبار آن در سطح فراملی بررسی شود. همچنین لازم است توانایی گفتمان انقلاب اسلامی در تشکیل زنجیره‌های هم‌ارزی فراگیر و مفصل‌بندی نشانه‌های خالی فراملی و یا جهان‌شمول و توانایی رقابت آن با سایر گفتمان‌ها مورد توجه قرار گیرد. (شکری، ۱۳۹۴: ۶۵) پیروزی انقلاب اسلامی در جهانی به‌وقوع پیوست که تحت‌تأثیر رقابت دو گفتمان هژمون و رقیب قرار داشت. بنابراین اولین بحران گفتمانی برای آن دو که در رقابت تنگاتنگی با یکدیگر بودند، پدید آمد. نمود اصلی این بحران در شعار «نه شرقی، نه غربی، انقلاب اسلامی» جلوه یافت که نمود از جا شدگی پدیدآمده در عناصر برساخته دو گفتمان هژمون بود. براین اساس، اگرچه انقلاب اسلامی با اتکالی به خدا و اراده مردم تحقق یافت و فاصله خود را با قدرتهای هژمون حفظ کرد و انسجام درونی مردم ایران را با تکیه بر دال مرکزی یعنی شریعت و اسلام فراهم ساخت و در غیریت‌سازی گفتمانی موفق بود، اما این غیریت‌سازی، رقابت گفتمان‌های رقیب را برانگیخت و از همان آغاز برای بقا و حفظ سیطره خود، در اندیشه حذف گفتمان جدید بودند.

۱. اجزاء گفتمانی انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از قواعد و ضوابط و آرمان‌هایی است که ریشه در اسلام دارد. این گفتمان با بهره‌گیری از زبان متناسب، توانست شیفتگی و اقناع‌کنندگی را برای مخاطبان فراهم آورد. این گفتمان در پی طرد وضع موجود و طرح وضعیتی آرمانی و مطلوب بود که با تکیه بر مفاهیم موردقبول جامعه، تحقق یابد. از آنجاکه این گفتمان، خود را یک فراگفتمان یا گفتمان جهانی می‌داند، درصدد اشاعه و گسترش باورهای گفتمانی خویش برآمد و با بهره‌گیری از ابزارهای گفتمانی، به‌دنبال تبدیل شدن به گفتمان غالب یا هژمون بوده و هست. یکی از دال‌هایی که همواره از دیرباز در جامعه ایران امکان مرکزیت یافتن را داشته، دین و شریعت بوده است. از مهم‌ترین اقدامات امام خمینی علیه السلام استقرار مجدد دین و معنویت به‌عنوان دال مرکزی گفتمان غالب در ایران بود. بنابراین سایر دال‌های شناور همچون آزادی، استقلال، رفاه و غیره در ارتباط با این دال مرکزی تعریف و تحلیل می‌شد. در مرحله پس از انقلاب نیز میزان اقناع‌کنندگی و جذابیت عناصر این گفتمان چنان بود که امکان تسری آن به سایر سرزمین‌ها را فراهم نمود. دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، گریزگذار از همه کفرها، طاغوت‌ها و ظلم‌ها و رسیدن به سعادت در زندگی دنیوی است که در واقع همان آرمان اسلام است که نوید رهایی انسان از بندگی غیرخدا و طاغوت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و تسلیم در برابر خدا را که کمال مطلق، حق مطلق و سعادت مطلق است را غایت و مراد هستی می‌داند.

۲. نمودهای بازتاب گفتمانی انقلاب اسلامی در آمریکای جنوبی

با توجه به تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی، برخی از حوزه‌های بازتاب انقلاب اسلامی در آمریکای جنوبی که امکان طرح در این نوشتار را دارد، به قرار زیر است:

۱. تغییر سطح تحلیل در روابط بین‌الملل از نقش دولت‌ها به تمرکز بر روی نقش ملت‌ها؛ تا قبل از انقلاب اسلامی و طرح گفتمان انقلاب اسلامی، بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل، دولت‌ها، اتحادیه‌ها و ائتلاف دولت‌ها بودند که در عرصه جهانی در پی منافع اقتصادی و سیاسی خود، در منازعات نقش ایفا می‌کردند. با شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی، بازیگران اصلی قدرت تنها دولت کشورها نیستند، بلکه توده مردمی که در حوزه‌های مختلف ضعیف نگه داشته شده‌اند نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به تحولات سیاسی و اجتماعی یافته‌اند. چراکه با گفتمان انقلاب اسلامی روحیه بیداری و استقلال‌طلبی در میان بسیاری از ملت‌هایی که وضعیتی شبیه ایران داشتند، پدید آمد و مرزهای شناختی جدیدی تعریف شد. البته این تقسیم‌بندی مرزپذیر نیست و جغرافیا، نژاد و مذهب در آن نقش تعیین‌کننده ندارد. (به نقل از جام جم آنلاین، ۲۱ / بهمن / ۱۳۸۸)

براین اساس گفتمان انقلاب اسلامی توانست با ایجاد انگیزه در میان مردم مناطق مختلف به‌ویژه آمریکای جنوبی، زمینه ایستادگی آنان را در مقابل گفتمان استکبار جهانی فراهم سازد، و هویتی نوین براساس گفتمان جدید برای آنان تعریف نماید که برآمده از دال‌های خالی جوامع آنان بود. این هویت نوین زمینه پیدایش حس مشترک را در این جوامع، در برابر گفتمان‌های سیطره جوی معاصر فراهم ساخت. در این راستا رؤسای کشورهای مختلف آمریکای جنوبی بر چنین تقسیم‌بندی گفتمانی تأکید داشته‌اند؛ از جمله رئیس‌جمهور اکوادور که در دیدار با نماینده ایران، به این نکته اشاره می‌کند: «باید جبهه منسجمی برای مقابله با اقدامات سیاسی، استعماری و امپریالیستی سلطه‌گران علیه ملت‌های مستقل تشکیل شود». (ایسنا، خرداد ۱۳۹۱) همچنین پیدایش احساس هم‌سان و هویت مشترک ذیل یک گفتمان واحد را می‌توان در سخنی دیگر از رئیس‌جمهور اکوادور دید. وی می‌گوید:

اکوادور همواره با معیارهای دوگانه استکبار جهانی مقابله کرده و مدافع حقوق ملت و دولت در همه عرصه‌های جهانی و مجامع بین‌المللی بوده و خواهد بود. (ایسنا، بهمن ۱۳۹۴)

۲. **نفی نظام سلطه مبتنی بر گفتمان بلوک‌بندی غرب و شرق؛ گفتمان انقلاب اسلامی به نفی گفتمان طراحی‌شده توسط برقرت‌ها یا باور «نه شرقی و نه غربی» اقدام نمود.** (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۰ - ۱۲۹) پس از فروپاشی کمونیسم و از بین رفتن آن گفتمان، بلوک غرب با مدیریت آمریکا، به‌دنبال طراحی نظم نوین جهانی و استیلای کامل بر جهان به‌عنوان قدرت برتر بود و توانست محوریت خود گفتمان جدید با محوریت آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون را تا حدودی تثبیت نماید. اما گفتمان انقلاب اسلامی همواره با نفی محوریت گفتمان‌های هژمون، این اراده غرب را به چالش کشید؛ نمود آن در آمریکای جنوبی با شکل‌گیری انقلاب نیکاراگوئه درگام‌های آغازین انقلاب اسلامی بود و در سال‌های اخیر موفقیت دولت‌های مردم‌گرا در کشورهای آمریکای جنوبی است که در تلاش برای از بین بردن هرچه بیشتر محوریت غرب و آمریکا در منطقه هستند. در این ارتباط می‌توان به ملی کردن صنایع و معادنی اشاره کرد که سهام و منافع اصلی آن به آمریکا و متحدان وی مربوط می‌شد که آنان نیز نماد حضور و سیطره تفکر کاپیتالیستی آمریکا هستند. همچنین روی کار آمدن رؤسای جمهوری که علاقه‌مند به خروج منطقه آمریکای جنوبی از زیر سلطه آمریکا هستند، همچون چاوز^۱ در ونزوئلا، مورالس^۲ در بولیوی، لولا داسیلوا^۳ در برزیل و کوره‌آ^۴ در اکوادور نشانه‌هایی از این نفی محوریت غرب است. همچنین متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی که اخلاق را به‌عنوان یکی از گزاره‌های گفتمان خود در برابر سایر گفتمان‌های مدعی مطرح کرد، سخنان رئیس‌جمهور اکوادور است که نظام جهانی را نظامی غیرعادلانه و غیراخلاقی می‌داند. (ایسنا، تیر ۱۳۹۲) وی با اشاره بر این نکته که گفتمان‌های موجود، به دال‌های خالی جامعه بین‌المللی بی‌توجه هستند، هژمونی گفتمان غرب را به چالش می‌کشد و آن را به نبود عدالت و اخلاق به‌عنوان گزاره‌هایی که امروزه جای خالی آن در نظام بین‌الملل احساس می‌شود، موردنظر قرار می‌دهد.

۳. **طرح معنویت‌گرایی و عدالت‌خواهی در نظام بین‌المللی؛** از جمله دال‌های خالی نظام بین‌الملل که گفتمان انقلاب اسلامی آن را مطرح نمود، توجه به معنویت و عدالت در ساختار نظام بین‌المللی بود. آنچه در آمریکای جنوبی موردغفلت واقع شده است، «مسئله معنویت و آگاه کردن مردم است؛ به‌طوری‌که غربی‌ها تصویری که از آنجا دارند، این است که آنجا سرزمین خواب و رقص است». (خبرگزاری فارس، مرداد ۱۳۹۳) که البته این خود ناشی از فقر فرهنگی و فقر مادی در این منطقه است. گفتمان انقلاب اسلامی با احیاء مجدد معنویت و این واقعیت که با تکیه بر معنویت و روحیه عدالت‌خواهی می‌توان جهانی متفاوت ساخت، روحیه امید، اخلاق و امید به استقرار عدالت اجتماعی را احیا نمود. از آنجا که انقلاب اسلامی توانست با ایجاد گفتمان خود، توجه به معنویت و نقش آن در پیشبرد اهداف جوامع را موردتأکید و توجه قرار دهد، تبیین موضوع و فهم گفتمان انقلاب اسلامی چنان موردتوجه قرار گرفته است که نماینده ولی فقیه در آمریکای لاتین می‌گوید: «بعضی از دانشگاه‌های منطقه آمریکای لاتین خواستار حضور نمایندگان حوزه‌های علمیه هستند». (خبرگزاری فارس، مرداد ۱۳۹۵)

1. Chavez.
2. Morales.
3. Lula dasilva.
4. Correa.

۴. تغییر گفتمان درون‌دینی کلیسای کاتولیک در قالب الهیات رهایی‌بخش؛ با توجه به گفتمان کلیسای کاتولیک مبنی بر زندگی زاهدانه و پرهیز از دخالت در امور سیاسی و پذیرش وضعیت موجود، در کشورهای آمریکای جنوبی، روحیه ظلم‌پذیری و تسلیم رواج یافته و موردپذیرش واقع شده بود. وقوع انقلاب اسلامی در گام اول گفتمان سیاسی، اسلام را در جهان مطرح نمود و درگام بعدی، میان تمامی متألهان و پیروان ادیان آسمانی تحرکی ایجاد نمود، با تأکید بر اینکه آفریدگار هستی، نظام احسن خلقت را براساس ظلم و ستم و تبعیض میان انسان‌ها سامان نداده است و آنچه امروزه در جهان شکل گرفته است، تخطی از اراده خدا و رضایت یافتن به سلطه طاغوت‌هاست. کلیسای رهایی‌بخش نیز که در پی الگویی عینی برای اثبات ادعای خود مبنی بر فهم ناصحیح کلیسای کاتولیک از مسیحیت و لزوم تلاش برای زیست عادلانه و مبتنی بر حقوق انسانی بود و همچنین بر لزوم تلاش برای تغییر وضع موجود و کوشش برای مداخله سیاسی برای بهبود شرایط تأکید داشت، انقلاب اسلامی و گفتمان آن را بهترین نمونه برای این منظور دانست. اشتراکات نشانه‌ای میان گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان الهیات رهایی‌بخش، زمینه‌الگوگیری و تبلیغ براساس گفتمان انقلاب اسلامی را برای این کلیسا فراهم ساخت. چراکه الهیات رهایی‌بخش به دنبال جهانی شدن است (عسگری، ۱۳۸۹: ۱۲۶ - ۱۰۳) و گمان دارد که اگر گفتمان انقلاب اسلامی با تکیه بر دال مرکزی اسلام، توانسته است گفتمانی جهانی را تدارک ببیند، کلیسای رهایی‌بخش نیز می‌تواند چنین ادعایی را پیگیری نماید. البته برخی نیز مدعی هستند که گفتمان الهیات رهایی‌بخش توانسته است بر مسیحیت و فرهنگ دینی اروپا و آمریکای شمالی تأثیرگذار. (والز، ۱۳۸۵: ۹۷) از رهبران این کلیسا، لیوناردو بوف^۱ معتقد است: برای توفیق در امر گسترش مذهب در آمریکای جنوبی، یکی از برنامه‌ها برقراری ارتباط با اسلام و تلاش برای مفاهیم با این دین است. (مصطفوی کاشانی، ۱۳۷۴: ۱۵۱) انگیزه وی برای برقراری ارتباط با مراکز اسلامی و علمای مسلمان می‌تواند با نگاه به توفیقات گفتمان انقلاب اسلامی و دال مرکزی آن باشد. در نظر وی و هم‌فکرانش دلیل گسترش و فراگیری گفتمان انقلاب اسلامی، بهره‌گیری از نشانه‌ها، دال‌ها و گزاره‌های دینی است. بنابراین نزدیکی به این دین می‌تواند رمز موفقیت را برای آنها آشکار نماید تا آنان نیز با تکیه بر این یافته‌ها، به تبلیغ آیین خود در جهان بپردازند.

مقام معظم رهبری در تبیین کارکردی محتوای گفتمان انقلاب اسلامی که دال‌های خالی در جوامع ستمدیده را موردتوجه قرار داده است، می‌فرماید:

اسلام دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن تسلیم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده و از او به‌کارگیری آنها را همچون فریضه‌ای تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی - که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است - دوختن و عوض ناکامی‌های شخصی و میان‌راهی را نزد خدا جستن؛ (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹)

۵. نقش رهبر در گفتمان انقلاب اسلامی؛ همان‌گونه که انقلاب اسلامی خود، گسستی تاریخی نسبت به انقلاب‌های جهان بود، رهبری و مدیریت آن نیز الگویی متفاوت بود. رهبری دینی که توانست به بسیج نیروهای مردمی اقدام نماید؛ رهبری که توانست گفتمانی را علیه نظام سیاسی که دارای امکانات تثبیت قدرت و پشتوانه‌های گفتمان هژمون بود، ساماندهی کند و باعث سقوط آن نظام سیاسی و گفتمان حاکم گردد. از این جهت امام خمینی علیه السلام نمادی از اراده مردم ستمدیده جهان گردید تا آنان با الگوگیری از وی بتوانند گفتمانی را علیه وضع موجود در جامعه خود سازمان‌دهی نمایند و در سایه آن وضع مطلوب خویش را فراهم سازند. گفتمان انقلاب اسلامی توانست نقش رهبری دینی و کارکرد اجتماعی دین را

1. Leonardo Boff.

در بهزیستی جوامع عملیاتی نماید؛ به گونه‌ای که سال‌های بعد از انقلاب اسلامی همچنان این الگو بودن و مرجعیت گفتمانی انقلاب اسلامی و رهبری آن مورد توجه مردم منطقه آمریکای جنوبی بوده و هست. مورالس رئیس‌جمهور بولیوی در دیدار با رهبر انقلاب اسلامی چنین می‌گوید:

ما جناب‌عالی را پدر و راهنمای همه انقلاب‌های مستقل و به‌ویژه انقلاب‌های منطقه آمریکای لاتین می‌دانیم و از سخنان ارزنده، الهام‌بخش و امیدآفرین شما درس‌های فراوانی آموخته‌ایم. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، آذر ۱۳۹۴)

در آمریکای جنوبی، مشارکت مذهبی‌ها در سیاست براساس الگوی گفتمان کاتولیک، امری مذموم و مغایر با قداست مذهبی تلقی می‌گردید. اما امام خمینی علیه‌السلام این باور مسیحیت کاتولیک را با ارائه الگوی رهبری اسلامی تغییر داد. رهبران کلیسای رهایی‌بخش که در این منطقه فاقد مرجعی برای استناد و الگویی برای ارائه، جهت تشویق پیروان برای قیام علیه وضع موجود بودند، با بهره‌گیری از گفتمان انقلاب اسلامی و توانایی‌های بی‌بدیل امام خمینی علیه‌السلام توانستند از سوئی، پویایی و اقتناع‌کنندگی را برای حرکت اعتراضی خویش ایجاد نمایند و از سوی دیگر، اقدامات خود را از دایره کفری که کلیسای کاتولیک آنان را بدان متهم می‌کرد، برهانند؛ با این استدلال که در گفتمان اسلامی نیز که مبتنی بر باوری آسمانی و الهی است، نه تنها پذیرش وضع موجود مطلوب و دین‌دارانه نیست بلکه رضایت بدان، عین بی‌دینی و کمک به مقاصد شیطان است و کسانی که به این وضع رضایت دهند، نه تنها در خط مسیح نیستند، که در خط شیطانند.

۶. چالش قدرت هژمونی آمریکا در نظام تک‌قطبی؛ وقوع انقلاب اسلامی در کشوری که به‌عنوان پایگاه نظامی آمریکا در منطقه جنوب غرب آسیا بود و نقش ژاندارم گفتمان هژمون را در منطقه ایفا می‌نمود، برای جهانیان حیرت‌آور بود. کشوری که کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، آن را به‌سبب رهبری داهیانه شاهنشاه، یک جزیره ثبات در یکی از آشوب‌زده‌ترین مناطق جهان می‌دانست و در جهان کشوری را نزدیک‌تر از ایران به خود نمی‌دانست. (کیهان، ۱۳ / اسفند / ۱۳۹۲) انقلاب در چنین کشوری برای مردمان تحت سلطه در آمریکای جنوبی که در شرایطی همچون ایران به سر می‌بردند، امیدبخش می‌نمود و می‌توانست موجب بالندگی و پویایی سیاسی و اجتماعی آنان گردد. مقام معظم رهبری درباره این اثر گفتمان انقلاب اسلامی می‌فرماید:

این انقلاب، این توانایی را داشت که به تمام زوایای کشور نفوذ کند ... در سطح جهان هم همین اتفاق افتاد. البته با نوعی تدریج. یعنی در همه‌جای دنیا؛ در آسیا، در اعماق آفریقا، حتی در آمریکای لاتین، ملت‌ها از اینکه یک ملتی پیدا شده است که این شجاعت را، این دلیری را دارد که در مقابل آمریکا بایستد و زورگویی آمریکا را علناً رد بکند، به هیجان می‌آمدند. خیلی‌ها با زحمت رادیوهای ایران را می‌گرفتند. (بیانات رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی، ۱۳۹۳/۱۱/۱۹)

همچنین در لزوم پیگیری از گفتمان انقلاب اسلامی برای مضمحل کردن گفتمان رقیب و تبدیل کردن گفتمان انقلاب اسلامی به گفتمان مسلط جهانی می‌فرماید:

دولت آمریکا ... به‌شدت احساس خطر می‌کند و موقعیت خود را در جهان متزلزل می‌بیند. برای حفظ این روند رو به اشتعال و تقویت روحیه ملت‌های اصیل و مظلوم، جمهوری اسلامی موظف است کوچک‌ترین تغییری در چهره باصلابت و موضع باعزت خود در مناسبات بین‌المللی ایجاد نکند. با قلدران، از موضع قدرت و با دولت‌های ضعیف، از موضع حمایت و با ملت‌های بپاخاسته، از موضع رعایت و هدایت سخن بگوید و عمل کند؛ دولت آمریکا را به‌مثابه رأس فتنه و استکبار و رمز غداری و شیطنت و به‌خاطر ستمش به کشورهای ضعیف و حمایتش از صهیونیسم غاصب و دشمنی‌اش با بیداری و آزادی ملت‌ها و خصومت عمیق و جنایت‌بارش با ملت ایران، محکوم و منفور و مطرود دانسته، هیچ فرصتی را برای افشای چهره تزویرالود و رسوا کردن آن مدعیان

آزادی و غیره و بیان این حقایق از دست ندهد. (بیانات رهبری، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌های قدرت آمریکا در منطقه آمریکای جنوبی قدرت‌های نوظهور چپ‌گراست که مهم‌ترین اولویتشان کوتاه کردن دست آمریکا از کشورشان است. توجه سیاست خارجی جمهوری اسلامی از سال ۱۳۸۴ به این منطقه و تشکیل بلوک ضدامپریالیستی، زمینه‌های فعال شدن بیشتر گفتمان انقلاب اسلامی را منسجم‌تر ساخته است. (ارغوانی پیرسلامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

ناکامی آمریکا در اجرای طرح بازار بزرگی که بتواند تمام سرزمین‌های قاره آمریکا از آلاسکا تا جنوبی‌ترین نقطه قاره آمریکا را در برگیرد؛ شکل‌گیری قدرت‌های چپ‌گرا، میانه‌رو و رادیکال در کشورهای منطقه آمریکای لاتین؛ هم‌پیمانی کشورهای ونزوئلا، بولیوی و آرژانتین در تشکیل بانک جنوب در برابر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که زیر سیطره قدرت‌های سرمایه‌داری به‌ویژه آمریکا بود و ... (کیهان، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۸۶) نشانه‌های جدی در به چالش کشیده شدن هژمونی گفتمان لیبرال سرمایه‌داری در منطقه آمریکای جنوبی است که می‌تواند تحت‌تأثیر گسترش گفتمان انقلاب اسلامی، نشانه‌ها و گزاره‌هایی در برابر گفتمان هژمون با قابلیت دسترسی و قابلیت اعتبار به دست دهد. آنچه در منطقه آمریکای جنوبی در ارزیابی از نقش گفتمانی انقلاب اسلامی مهم می‌نماید، این است که این گفتمان توانسته شک و تردید نسبت به گزاره‌های گفتمان هژمون را در منطقه فراهم آورد و این خود مقدمه فروپاشی گفتمان هژمون است؛ مگر آنکه آن گفتمان در جهت پر کردن دال‌های خالی و رفع نقایص گفتمانی خود برآید که با توجه به نظریه گفتمان‌ها، این اقدامات اگرچه ممکن است فروپاشی را به تأخیر اندازد، اما همانند سدی که در آن شکستی ایجاد شده باشد، سرانجام فروریختنی است؛ و آن‌گونه که نظریه‌پردازان حوزه گفتمان معتقدند، آنچه اجازه می‌دهد اشکال مقاومت، خصلت مبارزات جمعی به خود بگیرد، وجود گفتمانی بیرونی است که مانع از تثبیت انقیاد می‌شود. (لاکایو و موف، ۱۳۹۲: ۲۴۸)

بررسی موردی بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی در ونزوئلا

از سرزمین‌هایی که گفتمان انقلاب اسلامی، نوید رهایی و استقلال و آزادی را برای آن به‌همراه داشت و توانست امیدها را در دل مردم و مبارزان سیاسی آن تقویت نماید، سرزمین ونزوئلا بود. ونزوئلا به‌دلیل قرار گرفتن در حیات‌خلوت آمریکا و نیز به‌دلیل غلبه گفتمان لیبرال سرمایه‌داری در نیمه غربی کره زمین، تحت‌تأثیر این گفتمان قرار داشت و همین امر زمینه‌های پیدایش اختلاف طبقاتی و در پی آن، گسترش بی‌عدالتی‌های اجتماعی در درون جامعه ونزوئلا را فراهم ساخته بود. همچنین ماهیت نظام سرمایه‌داری و گفتمان غالب، در سطح منطقه نیز باعث ایجاد رابطه‌ای استعماری بین کشورهای منطقه آمریکای جنوبی و آمریکا شده بود. از ویژگی‌های مشترک کشورهای این منطقه و به‌ویژه ونزوئلا، می‌توان به دال‌های خالی بی‌عدالتی، اختلافات طبقاتی، عدم استقلال سیاسی، استعمار، نبود اعتمادبه‌نفس، نبود الگوی موفق مبارزه در عصر حاضر که توانسته باشد کامیاب در شکست گفتمان غالب و قدرت هژمون گردد و ... اشاره کرد. (مشرق نیوز، سود سی ساله رابطه ایران با چاوز، ۱۳۹۲/۱/۳۱) درحالی‌که رویکرد گفتمان انقلاب اسلامی توانسته است این دال‌های خالی را موردتوجه قرار دهد. در ونزوئلا وجود این دال‌های خالی، عامل اصلی گرایش به‌سمت گفتمان انقلاب اسلامی بود. توجه به آرمان‌ها و اهداف تعریف‌شده در گفتمان انقلاب اسلامی در قالب سخنان رهبران، قانون اساسی و سیاست‌های اعلامی و اجرایی در عرصه روابط خارجی، نشان‌دهنده تأکید بر نشانه‌هایی با قابلیت جهانی شدن است. براساس همین رویکرد گفتمانی انقلاب اسلامی است که رئیس‌جمهور ونزوئلا، هوگو چاوز، از نقش انقلاب اسلامی چنین یاد می‌کند:

ما از تجربیات سیاسی دولت و مردم ایران برای ایستادگی در مقابل دشمنان خارجی و امپریالیسم بسیار درس گرفته‌ایم و همچنان با قوت به مبارزه برای حفظ استقلال خود ادامه خواهیم داد. (بیانات رهبری، دیدار رئیس‌جمهور ونزوئلا با رهبر انقلاب، ۱۵ / ۱ / ۱۳۸۸)

رئیس‌جمهور دیگر ونزوئلا مادرو چنین می‌گوید:

این روز تاریخی یادآور قیام مردمی که در سال ۱۳۷۹ میلادی به نظام پادشاهی در این کشور

پایان داده است و به نمادی انقلابی برای همه ملت‌هایی که برای آزادی، حاکمیت و استقلال در برابر تعرضات امپریالیسم مبارزه می‌کنند، تبدیل شد. (مهرنیوز، بهمن ۱۳۹۵)

همچنین رئیس‌جمهور ایران (محمود احمدی‌نژاد) در مورد بازخوانی دیدگاه آمریکای جنوبی و مشخصاً ونزوئلا و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی چنین می‌گوید: «آقای چاوز دنبال عدالت، برادری، دوستی و کرامت انسانی یعنی همان اهداف انقلاب اسلامی بود». (ایسنا، اسفند ۱۳۹۱) براین اساس می‌توان تبلور عینی گفتمان انقلاب اسلامی را در ونزوئلا مشاهده نمود. اگرچه تأثیر انقلاب اسلامی در دوره‌های مختلف شدت و ضعف و فراز و فرود داشته است، اما این گفتمان به‌عنوان یک گفتمان جذاب برای مردم منطقه مطرح بوده است؛ چراکه نشانه‌های گفتمانی و نوع مفصل‌بندی این نشانه‌ها از منظر مردم منطقه و ونزوئلا بسیار قابل‌قبول‌تر از گفتمان هژمون حاضر در طول تاریخ معاصر این کشور بوده است.

۱. بستری‌های حضور گفتمانی در ونزوئلا

جمهوری اسلامی در جهت انتقال گفتمان انقلاب اسلامی به ونزوئلا در قالب حضور فرهنگی، با اعزام مبلغان مذهبی به این کشور، اولین گام‌ها را برداشت تا دال مرکزی انقلاب اسلامی یعنی باورهای اسلامی، در این کشور معرفی و نشانه‌های این گفتمان ترویج گردد. (ابنا، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۱) اما حضور پررنگ گفتمانی، برای تبدیل گفتمان انقلاب اسلامی به گفتمانی هژمون در جامعه ونزوئلا، نیاز به حضور مؤثرتر و تبلیغی وسیع‌تر درباره باورها و اهداف انقلاب اسلامی داشت که این مهم برای مدت دو دهه به تأخیر افتاد. این تأخیر دو علت داشت: ۱. درگیر بودن ایران در یک جنگ فرسایشی از سوی گفتمان‌های هژمون و رقیب یا پادگفتمان‌ها؛ ۲. تغییر در ساختار نظام‌های آمریکای جنوبی و سرکار آمدن حکومت‌های انقلابی و مردمی. (مشرق نیوز، فروردین ۱۳۹۲) پس از این مدت، جمهوری اسلامی با برقراری روابط دوستانه دیپلماتیک و گسترش و تعمیق روابط سیاسی و اقتصادی، زمینه حضور خود و گفتمان انقلاب اسلامی را در ونزوئلا افزایش داد. حضور اقتصادی در پروژه‌هایی که در راستای نشانه‌های گفتمانی استکبارستیزی و عدالت‌محوری و کمک به نیازمندان جهان بود، بستری مناسب را برای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی و دال‌های آن فراهم ساخت. حضور در صنعت کشاورزی ونزوئلا با صدور تراکتور و ساخت کارخانه تراکتورسازی، ساخت کارخانه خودروسازی، ساخت مسکن انبوه و ارزان‌قیمت برای رفع مشکل مسکن در این کشور، حضور در عرصه‌های مختلف صنعت و اقتصاد که با زندگی و معاش مردم ونزوئلا مرتبط بود، (سفارت ایران در کاراکاس) شرایطی را فراهم ساخت تا گفتمان انقلاب اسلامی و دال‌های آن در این جامعه حضور یابد و به‌تدریج جای خویش را در جامعه مذکور باز کند و تبدیل به گفتمان غالب گردد. در این راستا رئیس‌جمهور ونزوئلا جهت اجرای عدالت اجتماعی و رسیدگی به گروه‌های ناتوان اقتصادی در جامعه، اقدام به اجرای سیاست‌هایی چون کاهش قیمت بنزین و ساخت خانه‌های مجانی برای نیازمندان نمود. (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱/۳/۱۳۹۵) با توجه به اینکه قابلیت دسترسی و قابلیت اعتبار نشانه‌های گفتمان انقلاب اسلامی در ونزوئلا، با حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این کشور تحقق می‌یافت، اقداماتی که از سوی دولت ونزوئلا متأثر از روابط با ایران شکل می‌گرفت، به‌عنوان فرصتی جهت عملیاتی کردن و بومی‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی در نظر گرفته می‌شد. از سویی می‌توان این سیاست‌های دولت ونزوئلا را جلوه‌ای از رسوخ گفتمان انقلاب اسلامی در بدنه حاکمیت ونزوئلا دانست.

از دیگر عرصه‌هایی که قابلیت دسترسی را برای گفتمان انقلاب اسلامی فراهم می‌سازد، عرصه‌های فرهنگی و فعالیت‌های تبلیغی شیعی در این کشور است. رواج اندیشه شیعه در این کشور و تأسیس مراکز اسلامی شیعی و برگزاری مراسم مذهبی و آیین‌های دینی که تا قبل از حضور گفتمان انقلاب اسلامی در این کشور وجود نداشته است، نشانه‌ای از حضور این گفتمان و موفقیت در مرحله قابلیت دسترسی گفتمانی است. به‌گونه‌ای که نه‌تنها مقاومت اجتماعی و حکومتی در برابر این اقدامات صورت نگرفته است بلکه حکومت مستقر، به‌دلیل بازخورد سیاسی و اجتماعی که بسط این گفتمان داشته، زمینه تبلیغ و گسترش آن را نیز فراهم ساخته است. در زمینه تبلیغات فرهنگی و بسترسازی تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی می‌توان به مجموعه فعالیت‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اشاره کرد که یکی از مجموعه‌های پیگیر گسترش گفتمان انقلاب اسلامی در ونزوئلا است. (پایگاه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی)

۲. نقش گفتمان‌های رقیب در توسعه گفتمان انقلاب اسلامی

بخشی دیگر از قابلیت دسترسی گفتمان انقلاب اسلامی، توسط نظام سلطه و گفتمان‌های مخالف پدید آمد. این گفتمان‌ها، ناخواسته و برای نقد و به چالش کشیدن گفتمان انقلاب اسلامی، بستر تحقیق، مطالعه، پژوهش و آشنایی با نشانه‌های گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم ساختند و به تبلیغ این گفتمان در بین ملت‌هایی که با آن آشنایی نداشته و از مفاهیم آن بی‌اطلاع بودند، مبادرت ورزیدند. در گزارش کنگره آمریکا که ناشی از نگرانی گفتمان رقیب از فعالیت‌های ایران در آمریکای جنوبی است، چنین آمده:

نویسنده کتاب نفوذ استراتژیک ایران در آمریکای لاتین: با شروع انقلاب ایران از سی سال پیش تا به امروز، نفوذ ایران در نیم‌کره غربی شدیداً افزایش پیدا کرده است. در حال حاضر شواهد کافی برای اعلام این نظر وجود دارد و درعین حال شواهدی نیز وجود دارد که ایران در حال ارزیابی دوباره درباره حضور و فعالیت‌های خود در آمریکای لاتین بوده ... جمهوری اسلامی ... آمریکای لاتین را به‌عنوان اولوی استراتژیک برای موقعیت جهانی خود حفظ کرده و این اهمیت نیز رو به افزایش است. در زمان ریاست جمهوری روحانی، ایران به‌دنبال این است که براساس تحرکات انجام‌شده در یک دهه گذشته، عملیات خود در آمریکای لاتین را گسترش داده و از روابط معمول خود با کشورهای عضو پیمان بلیواری کشورهای آمریکا (ALBA) گذر کند. در مرحله تاکتیکی، ایران از نفوذ فرهنگی خود برای دسترسی پیدا کردن به گروه‌های بومی و اسلامی موجود در منطقه بهره می‌برد. هدف ایران استفاده از ارتباطات مالی و یا سیاسی این گروه‌ها می‌باشد. زمانی که چنین ارتباطی برقرار شد ایران حضور دیپلماتیک خود را مثل حضور در ونزوئلا و کوبا افزایش داده و یا مثل اتفاقی که در بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه رخ داد، اقدام به تأسیس سفارت جدید می‌کند. براساس گزارشات چیزی در حدود ۱۴۵ دیپلمات ایرانی در این کشور زندگی می‌کنند. تعدادی که بسیار بیشتر از منافع و تجارت این کشور با ایران به‌نظر می‌رسد. (مشرق نیوز، ۱۳۹۴/۱/۲۱)

همچنین در این گزارش دولز،^۱ معاون سابق وزیر کشور پرو، می‌گوید:

ایران و حزب‌الله، به‌عنوان دو نیروی متخاصم با منافع آمریکا، توانسته‌اند بدون کشف شدن و به دلایلی مثل قوانین ضعیف، شیوع گروه‌های جنایتکار و مناطق بی‌قانون در پرو تاخت‌وتاز فراوانی داشته باشند. (همان)

همچنین جمهوری اسلامی ایران توانست با تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی در ونزوئلا، زنجیره‌های هم‌ارزی فراگیری را پدید آورد و با تأکید بر دال‌های خالی جامعه ونزوئلا، همچون فقر، نبود عدالت اجتماعی، علاقه‌مندی به خروج از نظام سلطه و کسب استقلال ملی، تحرکی را در میان جامعه نخبگان این کشور به‌وجود آورد؛ به‌گونه‌ای که چاوز در این مورد خود را علاقه‌مند به تشکیل جبهه ضدامپریالیسم با کمک ایران و سایر کشورهای منطقه نشان می‌داد و موفق شد تا این جبهه را تشکیل دهد. (پایگاه تحلیلی - خبری ۵۹۸، دی ۱۳۹۰)

فعالیت گروه‌های تبلیغی شیعی و همچنین فعالیت خبریه‌های بین‌المللی که از سوی مبلغان ایرانی برای کمک به محرومان و فقرا در کشورهای مختلف از جمله ونزوئلا صورت می‌گیرد، (پایگاه رهیافته، مرداد ۱۳۹۶) تلاشی است در راستای تشکیل زنجیره‌های هم‌ارزی گفتمانی بین ایران و ونزوئلا جهت فراگیر شدن ارزش‌های مشترک و درنهایت غلبه گفتمان انقلاب اسلامی که گفتمانی است مبتنی بر ارزش‌های اسلامی - انسانی و تسری آن در جامعه ونزوئلا. فعالیت‌های فرهنگی که توسط نهادهای مختلف جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد نیز در راستای تشکیل چنین زنجیره‌ای است. اقداماتی چون چاپ و نشر کتب اسلامی - شیعی به زبان اسپانیولی برای سطوح مختلف سنی به‌ویژه کودکان و نوجوانان، پخش برنامه‌های اسلامی و

1. Dolz.

پرشس‌وپاسخ از تلویزیون ونزوئلا، برگزاری جشنواره‌های انقلاب اسلامی و بررسی آرمان‌ها و اهداف انقلاب و تبلیغ آنها در این جشنواره‌ها و ... (پایگاه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) از تلاش‌هایی است که در راستای تشکیل زنجیره هم‌آزمایی گفتمانی در کشور ونزوئلا، از سوی جمهوری اسلامی، برای پرکردن دال‌های خالی این کشور، تحقق پذیرفته است.

تلاش‌های ایران در طول چهار دهه گذشته همواره در جهت استقرار گفتمان انقلاب اسلامی در جهان، به‌ویژه در کشورهای تحت سلطه، بوده است. با این باور که گفتمان آینده جهان براساس آموزه‌های دینی، گفتمان مظلومان و مستضعفان است که تبدیل به گفتمان هم‌آزمایی خواهد شد. ایران برای استقرار چنین گفتمانی در تلاش برای تبلیغ آن در سراسر مناطق مستعد برآمده است و در این راستا به توانایی‌های گفتمانی خود، که توانسته است با تکیه بر آن در برابر گفتمان لیبرال سرمایه‌داری بایستد، تأکید می‌کند و آن را نقطه قوت گفتمان خود می‌داند. تلاش ایران برای تشکیل جبهه مقابل گفتمان هم‌آزمایی و نزدیک شدن به آمریکای جنوبی، به‌ویژه ونزوئلا، تلاشی برای تشکیل چنین جبهه‌ای در نزدیکی مهم‌ترین مدعی گفتمان هم‌آزمایی، یعنی آمریکا است. این تلاش ایران، در نظر و عمل، هم‌آزمایی با گفتمانی است که این منطقه را حیات‌خلوت خود می‌داند و دولت‌های آن را دست‌نشانده خویش و مردمان آن را خدمتگزاران در جهت تقویت اقتصاد لیبرال در نظر می‌گیرد. ایران و ونزوئلا ضمن سر باز زدن از پیروی از قواعد بازی طراحی‌شده توسط گفتمان هم‌آزمایی، در این زمینه هم‌دلانه در کنار یکدیگر قرار گرفتند و با تشریح مساعی در بسیاری از عرصه‌ها از جمله جلوگیری از کاهش قیمت نفت، کاهش آثار تحریم‌ها از سوی آمریکا علیه یکدیگر و تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی برای خروج از سیطره اقتصادی آمریکا و خارج کردن دلار از مبادلات اقتصادی خود کوشیدند. گفتمان انقلاب اسلامی ضمن پیروی نکردن از قواعد بازی گفتمان هم‌آزمایی، نشانه‌های جدید را به‌گونه‌ای مفصل‌بندی نمود که سایر کشورها نیز بتوانند با الگوگیری، جرئت ایستادگی در برابر گفتمان غالب را داشته باشند؛ بنابراین ونزوئلا از اولین کشورهای بود که در این حوزه با الگوگیری از ایران، قدرت منطقه‌ای گفتمان هم‌آزمایی را به چالش کشید. اقدامات جمهوری اسلامی برای عبور از تحریم‌ها، نشان‌دهنده تلاش‌های ایران برای کاهش قدرت گفتمان هم‌آزمایی در مدیریت جهان است. ونزوئلا نیز با تأثر از این اقدامات پیشروانه ایران و توفیقاتی که به‌دست آورده بود، در برابر آمریکا و خواست‌های آن کشور، نه تنها ایستاد، بلکه زمینه‌گرایش سایر کشورهای منطقه به این گفتمان را فراهم آورد و توانست گفتمان جدید را حلقه اتصال برخی کشورهای آمریکای جنوبی، همچون بولیوی و اکوادور قرار دهد که از جمله می‌توان به پیمان اتحادیه ملل آمریکای لاتین، اونسور اشاره کرد. (اسپوتنیک نیوز، ژوئن ۲۰۱۵) همچنین ایران برای نشان دادن کارآمدی گفتمان انقلاب اسلامی، با چپش متفاوت نشانه‌هایی که در گفتمان غرب، نشانه توسعه و پیشرفت بود کوشید تا گفتمان رقیب را با چالشی جدی مواجه نماید. در گفتمان غرب بهره‌گیری از دانش فنی در سطح ملی و بین‌المللی ابزاری برای کسب قدرت و ثروت در نظر گرفته می‌شود در حالی که در گفتمان انقلاب اسلامی دانش و فناوری ابزاری برای زیست بهتر همه انسان‌ها تعریف می‌شود نه ابزاری برای سلطه و کسب ثروت. در گفتمان انقلاب اسلامی تعریفی جدید از دانش و فناوری ارائه می‌شود که شایسته کرامت همه انسان‌ها است و بر این اساس بهره‌مندی همگان از این امکانات و طرد تبعیض علمی و صنعتی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این موضوع از جمله نشانه‌های گفتمان انقلاب اسلامی بود که نه تنها در ونزوئلا بلکه در میان همه کشورهایی که از این تبعیض ناراضی بودند مورد توجه قرار گرفت. چراکه به دالی خالی اشاره داشت که در گفتمان هم‌آزمایی بدان توجهی نمی‌شد. با این رویکرد، جمهوری اسلامی به‌عنوان طراح این نشانه گفتمانی انقلاب اسلامی، به انتقال دانش و فناوری‌هایی که در ایران ابداع و تحصیل شده بود و به مرحله بومی شدن رسیده بود، اقدام نمود. در این میان ایران به ونزوئلا، هم دانش و هم صنعت بومی خود را صادر نمود و دستاوردهای حاصل از این دانش و فن را در اختیار این کشور گذارد تا بتواند با بهره‌گیری از این مقدمات، از سیطره علمی و صنعتی گفتمان رقیب رهایی یابد. نتیجه این تلاش‌ها، آشکار شدن هرچه بیشتر ناتوانی یادگفتمان حاضر برای مدیریت جهان آینده بود. توانایی گفتمان انقلاب اسلامی در همراه کردن مردم منطقه با خود در برابر گفتمان رقیب، از مهم‌ترین دستاوردهای انعکاس انقلاب اسلامی بود؛ چراکه توانست باور و اطمینان به گفتمان هم‌آزمایی را در هم شکنند و ماحصل بیش از یک قرن سیطره گفتمان سکولاریسم و لیبرالیسم را با شکی بزرگ مواجه نماید؛ به‌طوری‌که مردم منطقه نسبت به آن دچار تردید عمیق شوند. این خود بزرگترین بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و ونزوئلا بود. از سوی دیگر ترسیم تصویر دشمن از آمریکا در ذهن مردم منطقه و ونزوئلا، هیبت و عظمت این کشور را در دید آنان

فرو کاست و در پی این فروکاسته شدن، جرئت ایستادگی و مقاومت و مخالفت با آن کشور، به‌عنوان مهم‌ترین مدعی گفتمان مسلط فراهم شد. خلأ ناشی از شک نسبت به توانایی گفتمان حاضر برای پاسخ به نیازهای پیش رو، زمینه را برای ظهور گفتمان رقیب یعنی گفتمان انقلاب اسلامی فراهم ساخت. بازتاب این واقعیت در گفتار و رفتار و مقالات مشاوران دولت آمریکا، کاملاً مشهود است.

درحالی که بیشتر تلاش‌های ایران برای صدور انقلاب در جهان اسلام صورت می‌گیرد، از سال ۲۰۰۵ به این سو، ایران به شکل گسترده‌ای به‌دنبال نفوذ در مناطق و کشورهای استراتژیکی است که می‌تواند در قالب یک جبهه واحد در برابر سیاست‌های آمریکا بایستد و ایفای نقش کند. ایران بر کشورهای «بولیواری» به رهبری ونزوئلا برای کاهش اثر تحریم‌ها حساب می‌کند. این کشورها به ایران در تجارت نفت، دسترسی به سیستم بانکداری بین‌المللی و به‌دست آوردن سلاح و مواد مورد نیاز برای برنامه اتمی در برابر تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا کمک می‌کنند.

رئیس‌جمهور سابق ایران، احمدی‌نژاد، آمریکای لاتین را به‌عنوان منطقه‌ای مستعد برای صدور انقلاب اسلامی می‌دید. او بر وعده کمک‌های اقتصادی، خصوصاً در بخش انرژی و ساخت و باور مبارزه با امپریالیسم آمریکا تأکید داشت. به‌همین منظور احمدی‌نژاد دو متحد معروف چپ در منطقه یعنی هوگو چاوز و اوا مورالس را [در] ونزوئلا و بولیوی یافت. احمدی‌نژاد با ایده مبارزه در جهت حفظ منافع کشورهای مستقل درحال توسعه، طرفدارانی در نقاط مختلف جهان پیدا کرده است صحبت‌های او درباره توسعه موفق بود. در ظرف چند سال ایران موفق به برقراری روابط دیپلماتیک، اقتصادی و شبکه‌ای مخفی در سرتاسر آمریکای لاتین گردید. ایران نشان داد که به‌دنبال آزار دادن آمریکا در حیاط‌خلوت این کشور نیست بلکه به‌دنبال تضعیف جایگاه آمریکا با پدید آوردن مراکز قدرت دیگری است. عضویت افتخاری ایران در کلوپ ضدآمریکایی در منطقه آمریکای لاتین، موسوم به اتحاد بولیواری آمریکایی دلیل موفقیت احمدی‌نژاد است. از دیگر فواید این گروه، کمک به ایران برای رسیدن به اهداف منطقه‌ای، دسترسی به تکنولوژی‌های نظامی، به‌وجود آوردن پوشش برای برنامه اتمی این کشور و همچنین دسترسی به سیستم بانکداری بین‌المللی بوده است. (مشرق نیوز، فروردین ۱۳۹۴)

بدین ترتیب احساس نیاز جهان به گفتمانی برتر که توانایی مدیریت نیازهای مادی و معنوی بشر را داشته باشد و به انسان و کرامت انسانی متعهد باشد، پدید آمد. براساس نظریه گفتمان، تقابل گفتمانی در نهایت منجر به حذف گفتمان قبلی و پیدایش گفتمان جدیدی می‌گردد که توانسته دال‌های خالی جوامع را با نشانه‌های خود، تأمین و پاسخ مناسبی برای آنها ایجاد نماید. در این راستا ونزوئلا نقش رهبری منطقه‌ای گسترش گفتمان انقلاب اسلامی در این حوزه را داشته است و توانسته با همراه کردن کشورهای آمریکای جنوبی در برابر آمریکا، ضمن بازگرداندن اعتمادبه‌نفس ملی به این کشورها در برابر آمریکا آنها را مجاب نماید که برای تأمین امنیت و منافع اقتصادی خود، به‌جای اتکا به آمریکا و حامیان گفتمان لیبرالیسم، به داشته‌های خود و همکاری‌های بین اعضا اتکا نموده و سیاست‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را متناسب با مصالح و منافع شرکای منطقه‌ای سامان‌دهی نمایند.

اما کشورهای آمریکای لاتین قصد ندارند در این مرحله توقف کنند. آنها می‌خواهند خودشان جریان چاپ اسکانس را کنترل کنند و منتظر ماشین چاپ آمریکا نباشند. از سال ۲۰۱۰ میلادی ونزوئلا، کوبا، بولیوی، اکوادور، نیکاراگوا و سورینام در معاملات خود از ارز مجازی «سوکرا» استفاده می‌کنند که ارزش آن از طرف سبد ارز کشورهای شرکت‌کننده تعیین می‌شود. تعدادی از کشورهای «مرکوسور» در فکر رواج ارز مشترک «گایوچو» هستند. (اسپوتنیک نیوز، ژوئن ۲۰۱۵)

۳. نقش گفتمانی انقلاب اسلامی از منظر نخبگان

آقای دکتر سهیل اسعد از مبلغان منطقه آمریکای جنوبی تأکید دارد که با وقوع انقلاب اسلامی، تغییر رویکردی در میان مردم منطقه آمریکای جنوبی به وجود آمد که نه تنها در میان مسلمانان منشأ خیر و تأثیرات فراوان شد و توانست روحیه اعتمادبه‌نفس و خودباوری و تقید به دین و مذهب را فراهم آورد بلکه در میان غیرمسلمانان نیز زمینه مقاومت، خودباوری، دین‌پژوهی و اسلام‌گرایی را مهیا ساخت. (بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، شهریور ۱۳۹۳)

آقای شیخ عبدالکریم پاز، امام جمعه بوینس آیرس، پایتخت آرژانتین، در تحلیل از چگونگی تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه آمریکای جنوبی و پیدایش روحیه استکبارستیزی در این منطقه می‌گوید:

البته افراد و گروه‌های سیاسی دیگری هم بودند که تحت تأثیر این رسانه‌ها قرار نمی‌گرفتند و انقلاب را درست بررسی می‌کردند. می‌گفتند این انقلاب یک انقلاب جهان سومی در ضدیت با آمریکا است. در آرژانتین هم کودتا علیه چپ‌ها که آرمان‌های ضدامپریالیستی داشتند، اتفاق افتاده بود. لذا از این جهت حتی چپ‌های غیرمسلمان هم از انقلاب ایران استقبال کردند.

یادم هست ما در نمایشگاه کتاب، یک غرفه اسلامی در طبقه اول داشتیم. طبقه پایین تظاهرات دانشجویان علیه سفارت آمریکا، در غرفه آمریکا نمایشگاه انجام می‌شد. سالن پایین خیلی بزرگ بود ولی پر از دانشجو شده بود و علیه آمریکا شعار می‌دادند. ما عکس‌های بزرگی از امام در غرفه داشتیم. وقتی که به دانشجویان نشان دادیم به شدت استقبال کردند و خیلی خوش‌شان آمده بود و شعار می‌دادند؛ دید مثبتی نسبت به امام داشتند. (رهیافتگان، آبان ۱۳۹۴)

بنابراین از منظر نخبگان منطقه حضور گفتمان انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های گفتمانی آن، که بر نشانه‌هایی فراتر از محدودیت‌های زبان، نژاد، قومیت و جغرافیا تأکید دارد، توانایی بالقوه و بالفعل تبدیل شدن به یک گفتمان غالب و فراگیر را برای قرن پیش رو دارد و می‌تواند تحت لوای آموزه‌ها و نشانه‌های خود، جهانی نو با تکیه بر تعاملاتی انسانی را به ارمغان آورد که زمینه‌های بهزیستی و سعادت را برای نوع بشر به همراه دارد و زیست‌بوم جهان را، زیست‌بومی متناسب با شأن انسانیت انسان و خلیفه‌الهی آن سازد.

نتیجه

با توجه به بنیادهای نظریه گفتمان و مؤلفه‌هایی که این نظریه بر آن تأکید دارد، می‌توان رویکرد نوینی که با ظهور انقلاب اسلامی در ایران و منطقه شکل گرفت و سرآغاز پیدایش تحولات نوین جهانی در عرصه عمل و نظر گردید را یک گفتمان مستحکم دانست که در اولین گام در جهت اثبات خود، بر نظام سیاسی مستقر در ایران غلبه یافت و درگام بعدی داعیه گشایش در چینه‌های نوین را برای جهانیان مطرح نمود؛ به گونه‌ای که شکی بزرگ و عمیق را نسبت به اعتبار باورهای موجود مبتنی بر گفتمان‌های حاضر فراهم ساخت. با بررسی نظریه گفتمان و تطبیق آن بر مؤلفه‌های مورد تأیید باورهای انقلاب اسلامی می‌توان دریافت که انقلاب اسلامی با طرح دیدگاهی نوین و مفصل‌بندی‌های بدیع و توجه به دال‌های خالی جوامع و تأکید بر دال مرکزی نوینی که برآمده از باورهای اسلامی و نیاز مشترک انسان‌ها و فطرت ایشان طراحی شده بود، از اقبال و اقتناع‌کنندگی قابل توجهی در مقایسه با سایر گفتمان‌های موجود برخوردار گردید. بنابراین مردم جهان نیز که واقعیت‌های جهان پیرامون را از دریچه گفتمان‌های مسلط غرب و شرق می‌نگریستند و واقعیت‌ها را با طعم لیبرالیسم و سوسیالیسم می‌چشیدند، گفتمان انقلاب اسلامی را دریچه‌ای نو با طعمی ملایم با طبع و ذائقه انسانی خویش یافتند که می‌توانست کام سرخورده ایشان از گفتمان‌های رایج را شیرین کند و پاسخی به مطالبات فطری آنان باشد. بنابراین در جوامعی که احساس ناکامی از گفتمان‌های غرب و شرق عمیق‌تر و گسترده‌تر بود، تمایل به گزینه‌های گفتمانی جایگزین، افزون‌تر بود. از جمله این مناطق، آمریکای جنوبی و کشور ونزوئلا بود که انقلاب اسلامی توانست با تکیه بر دال‌های خالی موجود در منطقه که ناشی از حضور گسترده و طولانی استعمار در آنجا بود و با تأکید بر مشترکات فطری انسان، زمینه گرایش به گفتمان انقلاب اسلامی و تبدیل کردن گفتمان‌های هژمون موجود در منطقه به ضدگفتمان را فراهم سازد. انقلاب اسلامی با مفصل‌بندی جدید مفاهیم توانست جبهه جدید جهانی را متأثر از گفتمان خود در برابر گفتمان‌های هژمون موجود، فراهم آورد؛ به طوری که صفت‌بندی‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در منطقه با تکیه بر این باورهای تبلیغی تشکیل یافت و هویت جدیدی را در منطقه با پیشگامی ونزوئلا ایجاد کرد. شکل‌گیری پیمان‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی بین کشورهای منطقه آمریکای جنوبی در راستای حفظ منافع و تأمین امنیت خود در برابر دولت‌های سلطه‌گری همچون آمریکا از نمودهای عینی این تأثیر گفتمانی است.

منابع و مآخذ

۱. ارغوانی پیرسلامی، فریرز، محمد اسماعیلی و ابوذر بهزادی آقای، «۱۳۹۴»، آمریکا و چالش قدرت در آمریکای لاتین؛ مقایسه رویکرد ایران و چین، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ش ۱۵.
۲. پایگاه خبری مشرق نیوز، فروردین ۱۳۹۴، «نفوذ استراتژیک ایران در آمریکای لاتین»: www.mashregnews.ir.
۳. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۳، سیاست خارجی عرصه فقدان تصمیم و تدبیر، تهران، فرهنگ گفتمان.
۴. خبرگزاری فارس، مرداد ۱۳۹۳، «آفت تبلیغ برون‌مرزی «شعارزدگی» است»: www.farsnews.com.
۵. خبرگزاری فارس، مرداد ۱۳۹۵، «ایران مانع خسارت بیشتر تکفیری‌ها به اروپا شده است»: www.farsnews.com.
۶. مارش، دیوید و جری استوکر، ۱۳۷۸، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاج‌یوسف، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. شجاعی‌زند، علیرضا و حسین علی فجری، ۱۳۸۷، «قابلیت‌های تحلیل گفتمان در بررسی پدیده‌های فرهنگی، اندیشه‌ای (با تأکید بر گفتمان هژمونیک شده در انقلاب اسلامی)»، پژوهش‌نامه متین، ش ۴۰.
۸. لاکلاو، ارنستو و شاننل موف، ۱۳۹۲، هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، ترجمه محمد رضایی، تهران، ثالث.
۹. مک دائل، دایان، ترجمه ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسینی نودری، تهران، فرهنگ گفتمان.
۱۰. اسماعیلی، محمدرضا، علیرضا شجاعی‌زند، علی ساعی و احمدرضا یزدانی مقدم، ۱۳۹۵، «جایگاه گفتمان در تحلیل اندیشه انقلاب اسلامی»، جامعه‌شناسی تاریخی، ش ۱.
۱۱. بانک جامع مقالات انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰.
۱۲. پاک‌نژاد راسخی، کامران، تأثیر نشانه‌شناسی بر گذار از ساخت‌گرایی به واسازی، «پایگاه انسان‌شناسی و فرهنگ»: <http://anthropology.ir/article/27919.html>
۱۳. پایگاه اسپوتنیک نیوز، ژوئن ۲۰۱۵، «حکم مرگ دکترین مونرویه صادر شد»: <http://sputniknews.com>
۱۴. پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، انقلاب ایران و تعریف جدیدی از «مقاومت» در آمریکای لاتین، شهریور ۱۳۹۳: <http://mahdi.cc>
۱۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای: <http://farsi.khamenei.ir>
۱۶. پایگاه تحلیلی - خبری ۵۹۸، دی ۱۳۹۰، «پیوند ایران و آمریکای لاتین عامل تسریع سقوط امپریالیسم»: <https://www.598.ir>
۱۷. پایگاه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، اسفند ۱۳۹۱، «چاوز به دنبال اهداف انقلاب اسلامی بود».
۱۸. پایگاه خبری اهل‌البیت (ابنا)، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۱، «وضعیت شیعیان در ونزوئلا»: <https://fa.abna24.com>
۱۹. پایگاه خبری مهرنیوز، بهمن ۱۳۹۵، «ونزوئلا سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت»: <http://www.mehrnews.com>
۲۰. پایگاه رهیافته، مرداد ۱۳۹۶، «مبلغان بین‌المللی»: <https://rahyafta.com>
۲۱. پایگاه رهیافته، آبان ۱۳۹۴، مصاحبه با حجة‌الاسلام عبدالکریم پاز: <http://rahyafta.com>
۲۲. پایگاه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، «فعالیت‌های فرهنگی ایران در ونزوئلا»: www.farhang.gov.ir
۲۳. پایگاه سفارت جمهوری اسلامی ایران در کاراکاس: <http://caracas.mfa.ir>
۲۴. پایگاه مشرق نیوز، فروردین ۱۳۹۲، «سود سی سال رابطه ایران با چاوز»: <https://www.mashregnews.ir>

- ۳۶ □ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۶، تابستان ۱۳۹۸، ش ۵۷
۲۵. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۷، «غیریت و هویت: شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران»، *پژوهشنامه متین*، ش ۱.
۲۶. *خبرگزاری دانشجویان ایران* (ایسنا)، بهمن ۱۳۹۴، «تماس تلفنی رئیس‌جمهوری اکوادور با رئیس‌جمهور ایران»: <http://www.isna.ir>
۲۷. *خبرگزاری دانشجویان ایران* (ایسنا)، تیر ۱۳۹۲، «نظام کنونی جهان ناعادلانه و غیراخلاقی است»: <http://www.isna.ir>
۲۸. *خبرگزاری دانشجویان ایران* (ایسنا)، خرداد ۱۳۹۱، «روابط رو به گسترش تهران - کیتو نشانه عمق دوستی و برادری میان دو کشور است»: <http://www.isna.ir>
۲۹. *روزنامه اطلاعات*، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۰، «مصاحبه با وزیر خارجه».
۳۰. *روزنامه دنیای اقتصاد*، خرداد ۱۳۹۵، «در مذمت رابین هودیسم ونزوئلایی».
۳۱. *روزنامه کیهان*، ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۹۲، «رد پای ۶۰ سال خیانت و جنایت (پاورقی) روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران».
۳۲. *روزنامه کیهان*، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۸۶، «دریچه از: لوموند (شیوه‌های جدید سلطه در آمریکای لاتین)».
۳۳. سعدی، مصلح‌الدین، *نرم‌افزار گنجور، غزلیات سعدی*، غزل ۳۴۵.
۳۴. سوسور، فردینان دو، ۱۳۷۸، *دوره زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه کورش صفوی، تهران، هرمس.
۳۵. صدرا، محمد، ۱۳۸۶، «نظریه‌های گفتمان (از زبان‌شناسی تا علوم سیاسی)»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۱۰ - ۹.
۳۶. کشاورز شکری، عباس و حسن ناصرخاکی، ۱۳۹۴، «تحلیل گفتمانی، روشی برای تحلیل بازتاب انقلاب‌ها»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، ش ۳۳.
۳۷. عسگری، یاسر، ۱۳۸۹، «مسیحیت در آمریکا لاتین از آغاز تا کنون»، *فصلنامه هفت آسمان*، ش ۴۸.
۳۸. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۳، *دستاورد های کلان انقلاب اسلامی در سطوح ملی، منطقه‌ای، جهانی و تاریخی*، قم، معارف.
۳۹. والز، اندرو، ۱۳۸۵، *مسیحیت در جهان امروز*، ترجمه احمد رضا مفتاح و حمید بخشنده، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
40. Foucault, M, 1988, *The Archaeology of Knowledge*, London, Tavistock.
41. Laclau, E., 1990, *New Reflections on the Revolution of Our Time*, London, Verso.
42. Laclau E, and C, Mouffe, 1985, *Hegemony and Socialist Strategy Towards a Radical*.
43. Philips, L & Jorgensen, M, 2002, *Discourse Analysis as Theory and Method*, London, Sage Publication.
44. Howarth, David & (A. Norval & G. Stavrakakis) , 2000 , *Discourse Theory and Political Analysis*, Manchester university Press.
45. Zellig S.Harris, (Jan.. Mar 1952) , *Discourse Analysis*, Language, Vol. 28, No. 1, p: 1-30.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی